



اقدام پژوهی

نویسنده: پاتریک جی. ام. کاستلو

مترجم: محمدرضا شادرو

تهران؛ ۱۳۸۵

ناشر: انتشارات آگاه

مهرناز رحیمی

research بردارد. در فصل اول، نویسنده ابتدا تعاریفی از پژوهش و پژوهش‌های آموزشی و سپس اقدام پژوهی را ذکر می‌کند و به مقایسه و دستیابی به نکات مشترک این تعاریف می‌پردازد. به طور مثال نویسنده از قول «دیک» (Dick) اقدام پژوهی را این گونه تعریف می‌کند: «اقدام پژوهی را معمولاً همچون چرخه‌ای توصیف می‌کنند که اقدام و تفکر انتقادی در آن به نوبت رخ می‌دهد. تفکر برای آن است که اقدام قبلی مورد بازنگری قرار گیرد و اقدام بعدی طرح‌ریزی شود». در ادامه، کاستلو انگاره‌های اقدام پژوهی «کرت لوین» (Kurt Lewin)، «مایکل بیسی» (Michael Bassey) و «دنسکومب» (Denscombe) را تشریح می‌کند. همچنین که به اهمیت انگاره‌های اقدام پژوهی (که در واقع همان چارچوب پژوهش است) و نقش آنها در موفقیت طرح پژوهش تأکید می‌ورزد.

نویسنده در فصل دوم با عنوان «چرا اقدام پژوهی می‌کنیم؟» ابتدا مطالبی را در خصوص رویکرد نظریه‌مدار و داده‌مدار در پژوهش مطرح می‌کند و در ادامه به بررسی آموزگار در مقام پژوهشگر می‌پردازد. به این معنی که آموزگاران می‌توانند درباره‌ی روش‌های تدریس خود، فرضیه مطرح کنند و درمورد راهبردهای مؤثر در یادگیری و یاددهی، به گردآوری داده‌ها بپردازند. نویسنده در این فصل انتقادات مربوط به آموزگاران پژوهشگر را مطرح می‌کند و به دنبال آن با ادله‌هایی بر لزوم وجود آموزگار پژوهشگر و نقش او در بهبود وضعیت آموزشی مدرسه تأکید می‌کند.

اقدام پژوهی عنوان کتابی است نوشته‌ی پاتریک جی. ام. کاستلو (Patrick J. M. Costello) و ترجمه‌ی محمدرضا شادرو که انتشارات آگاه در پاییز ۱۳۸۵ آن را در شمارگان ۲۲۰۰ نسخه به چاپ رسانده است. اقدام پژوهی ابزاری قدرتمند در دست کارورزان است تا بر میزان اعتماد به نفس شغلی خود بیفزایند. در این کتاب آموزگاران بیشتر به عنوان اقدام پژوهی مورد خطاب قرار می‌گیرند. به عقیده‌ی نویسنده، اقدام پژوهی به آنان کمک می‌کند تا برای طرح‌های تحقیقات سنتی جایگزین مناسب‌تری بیابند. هدف از این کتاب به طور کلی توانمندسازی پژوهشگران در نگارش و به اجرا در آوردن گزارش طرح اقدام پژوهی است.

کتاب حاضر سعی دارد در هشت فصل به بررسی اقدام پژوهی و اقدامات لازم جهت انجام آن بپردازد. فصل‌های این کتاب، البته به جز دو فصل پایانی، با پرسشی کلی آغاز می‌شوند و ذهن خواننده را متوجه مطلب اصلی آن فصل می‌کنند. نویسنده‌ی کتاب در پایان فهرستی از ارجاعات و منابع تکمیلی منتشر کرده است؛ علاوه بر این که مترجم نیز در پایان کتاب در دو بخش، واژه‌نامه‌های فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی را تهیه نموده است. همچنین در آخرین قسمت کتاب با عنوان نمایه، صفحاتی ذکر شده‌اند که در آنها اسامی صاحب‌نظران و بعضی از اصطلاحات مشاهده می‌شود.

فصل نخستین کتاب با عنوان «اقدام پژوهی چیست؟»، سعی دارد در اولین گام به تعریف اقدام پژوهی معادل عبارت انگلیسی action

فصل پنجم کتاب حاضر با عنوان «چگونه داده‌های اقدام پژوهی را تحلیل کنیم؟»، به شرح ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در سه طرح نمونه‌ی مذکور در فصل پیشین و نحوه‌ی تحلیل آنها اختصاص می‌یابد. در این فصل نویسنده از چهار مفهوم اساسی مکین تایر (Macintyer) در تحلیل داده‌های اقدام پژوهی یعنی: موضوعات، میزان وقوع، الگوها و روندها یاد می‌کند. در پایان نیز او به ذکر نکاتی درمورد تحلیل داده‌ها می‌پردازد، مانند تحلیل همه‌ی داده‌های گردآوری شده و افزودن پیوست‌ها به انتهای گزارش.

«چگونه گزارش اقدام پژوهی را تهیه کنیم؟»، آخرین گام در اقدام پژوهی است که فصل ششم کتاب به آن اختصاص می‌یابد. هنگام تهیه‌ی این گزارش باید توجه لازم را مبذول داشت؛ به خصوص از آنجا که ممکن است کارورزان دیگر به آن دسترسی یابند یا در صورتی که طرح اعتباری باشد، شورای تخصصی بودجه آن را بررسی نماید. در ادامه نویسنده راهکارها و شروط نگارش گزارش‌های اقدام پژوهی را خاطر نشان می‌کند و در این مورد به ذکر سه نمونه چارچوب گزارش می‌پردازد. کاستلو به طور کلی چارچوب عملی برای نوشتن گزارش اقدام پژوهی را به شرح زیر مطرح می‌کند و در مورد هر یک به طور خلاصه توضیح می‌دهد: فهرست مطالب، چکیده، سپاسگزاری، مقدمه، فصل‌ها (که باید دربرگیرنده‌ی موارد زیر باشد: بررسی انتقادی ادبیات موضوع، اطلاعاتی درباره‌ی ماهیت و زمینه‌ی پژوهش، نتایج پژوهش و نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها)، پیوست‌ها و فهرست منابع. پس از این توضیحات نویسنده برای درک بهتر، نمونه‌ای عملی از ساختار گزارش را ذکر می‌کند.

در فصل هفتم کتاب، نویسنده منابع متعددی را برای درک بهتر اقدام پژوهی معرفی می‌کند. کاستلو در فصل پایانی کتاب با عنوان سخن پایانی، طرح منطقی به کار رفته در نگارش کتاب حاضر را مطرح می‌کند و در واقع به مرور، دوباره مراحل کار در انجام اقدام پژوهی و تهیه‌ی گزارش آن می‌پردازد.

به عنوان نکته‌ی پایانی در خلاصه کتاب حاضر، باید ذکر شود که هیچ‌گونه مشکلی در ویرایش و چاپ مطالب مشاهده نمی‌شود، علاوه بر این که مترجم کتاب توانسته است با ترجمه‌ی شیوا و قابل فهمی به ادای قابل درک مطالب این کتاب بپردازد و این از آن جهت اهمیت دارد که اقدام پژوهی از مسائلی است که کمتر مترجمان، اقدام به ترجمه‌ی مطالبی درباره‌ی آن نموده‌اند.

حال نوبت به نحوه‌ی طراحی اقدام پژوهی می‌رسد، لذا نویسنده فصل بعدی را با عنوان «چگونه طراح اقدام پژوهی را آماده کنیم؟» به این مورد اختصاص می‌دهد. در این راستا باید در ابتدا موضوع پژوهش مشخص شود؛ سپس پژوهشگر طرح پیشنهادی پژوهش را تهیه نماید و پس از ارائه به استاد راهنما آن را برای تأیید به شورای مربوطه ارسال نماید. نویسنده در ادامه‌ی این فصل به تشکیل میزگردهای روش‌شناسی تحقیق برای اجرای طرح پژوهشی و برخی از عناوین این میزگردها اشاره می‌کند. همچنین کاستلو خاطر نشان می‌سازد که برای دریافت بودجه جهت اجرای طرح پژوهشی باید طرح پیشنهادی، به شورای تخصصی بودجه ارائه شود. علاوه بر این که تفاوت بین طرح اعتباری که بودجه به آن تخصیص می‌گیرد و طرحی که جهت انجام تکالیف درسی به اجرا در می‌آید، مطرح می‌شود. به عنوان مطلب آخر این فصل، کاستلو ملاحظاتی مقدماتی را درباره‌ی اجرای طرح‌های اقدام پژوهی از جمله بررسی منابع و طرح‌های پژوهشی تکمیل شده، نحوه‌ی نگارش طرح پژوهشی، مشاوره با استاد راهنما و غیره ذکر می‌کند.

«چگونه داده‌های اقدام پژوهی را گردآوری کنیم؟»، عنوان فصل چهارم کتاب است که نویسنده در آن ابتدا به تفصیل به انتقادات مربوط به اقدام پژوهی می‌پردازد که بیشتر متوجه عدم رعایت دقت در نگارش آن است. علاوه بر این، مواردی مطرح می‌شوند که پژوهشگر باید در نگارش طرح اقدام پژوهی آنها را رعایت کند؛ از جمله رعایت ملاحظات اخلاقی در ذکر منبع مطالب و فعالیت‌های انجام شده. در ادامه‌ی فصل چهارم، کاستلو به مقایسه‌ی طرح تحقیق سنتی و طرح اقدام پژوهی می‌پردازد و در راستای آن روابط میان پژوهش کمی و کیفی را از سوی افرادی مانند بلاکستر (Blaxter)، دیک و دنسکومب مطرح می‌کند. در اینجا، نویسنده به طور مفصل تری به انتقادات وارد بر اقدام پژوهی و در پی آن با استفاده از نظرات رابسن (Robson) به آن انتقادات پاسخ می‌دهد. این انتقادات بیشتر درمورد امکان ورود پیشداوری‌های پژوهشگر به اقدام پژوهی، نبود تعمیم‌پذیری، نبود اطمینان و بی دقتی است. رابسن با ذکر مفاهیمی در رابطه با پژوهش سنتی یعنی سنجش روایی، پایایی و تعمیم‌پذیری، به نوعی به این انتقادات پاسخ می‌دهد. به عنوان مطلب پایانی فصل، نویسنده با استفاده از انگاره‌ی اقدام پژوهی دنسکوب به شرح سه نمونه از طرح‌های اقدام پژوهی می‌پردازد.